

بررسی عدل الهی از دیدگاه شهید مطهری

زهرا نجفی^۱

چکیده:

یکی از صفات خداوند که مورد اختلاف شیعه و اهل سنت می باشد، عدل است. عدل به معنای رعایت مساوات و برابری خدا در امور مربوط به مخلوقات می باشد که با بصیرت درک می شود. شهید مطهری عدل الهی را بررسی کرده اند و آن را طبق قاعده ای اثبات کرده اند و اموری که برخی افراد آن را منافات با عدل می دانند از قبیل مجازات اخروی و ... را به گونه ای بیان کرده اند که آشکار کنند که با عدل منافاتی ندارد. این مقاله عدل الهی را با توجه به سخنان شهید مطهری بررسی می نماید و از روش توصیفی و شیوه ی کتابخانه ای استفاده شده است.

کلید واژه: عدل، شهید مطهری، اختیار.

^۱. حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) - شیراز - طلبه سال سوم. Bahar1375119@gmail.com.

مقدمه:

یکی از صفات خداوند، عدل الهی می باشد که مورد اختلاف شیعه و سنی است. این صفت در مورد اموری به کار می رود که درک آن به وسیله ی بصیرت می باشد. در مقابل عدل، ظلم قرار دارد که نمی توان آن را به خداوند نسبت داد، زیرا این کار ظلم به خداوند است؛ ظلم نتیجه قهری اعمال خود انسان ها می باشد. معتزله و امامیه دو گروهی هستند که به عدلیه معروف می باشند ولی اشاعره معتقد به این مطلب هستند که عمل شارع نشان دهنده ی عدل بودن است، در صورتی که بشر با عقل می تواند درک کند که عدل برای خداوند ضرورت دارد چون عدل، حسن محسوب می شود. شهید مطهری مطالب زیادی را در جهت بررسی عدل بیان کرده اند که این مقاله درصدد است از دیدگاه ایشان عدل را بررسی کند. اختلاف فِرَق اهل سنت و شیعه سبب شد صفت عدل به صورت بارز مورد بررسی قرار گیرد و یکی از نشانه های مذاهب باشد و طبق کتب و مقالات در این زمینه عدل به صورت آشکار از زمان ایجاد فرق اهل سنت (معتزله و اشاعره)، همین طور تشیع مورد بررسی قرار گرفته است.

دو نمونه از منابعی که در این زمینه بررسی شده اند: ۱- مقاله کارکرد کلامی عدالت در اندیشه استاد مطهری در این مقاله یکی از مقولاتی که به مسئله عدل برمی گردد را بازگو نکرد مقوله قضا و قدر که در این مقاله به صورت مختصر بازگو شده است.

۲- کتاب عدل الهی شهید مطهری. این کتاب جامع و کامل می باشد در این مقاله سعی شده به صورت خلاصه تر مطالب راجع به عدل بازگو شود.

اختلافی که بر سر موضوع عدل الهی پیش آمده سبب شد تا در تلاش باشیم که این مقاله ارائه گردد. سؤالی که مطرح می شود این است که عدل الهی از دیدگاه شهید مطهری چگونه مورد بررسی قرار گرفته است با در نظر گرفتن اینکه عدل یکی از صفات خداست.

عناوینی که در مقاله بازگو می شود عدل در آیات و روایات است که با ذکر روایات و آیات قرآن عدل اثبات می شود و معانی آن در کنار مفهوم شناسی واضح تر می گردد، سپس مراتب عدل با ارائه دادن تعریفی از عدل تکوینی، تشریحی و جزایی و به بحث عدل الهی از دیدگاه شهید مطهری پرداخته می شود؛ قضا و قدر، جبر و اختیار و مجازات های اخروی به صورت خلاصه بیان شده. تمام این مطالب به صورت توصیفی و در حیطه ی کتابخانه ای جمع آوری گشته است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱ عدل

عدل: «العدالة و المعادله لفظ يقتضى معنى المساواه و يستعمل باعتبار المضايقه و العدل و العدل و العدل يتقاربان، لكن العدل يستعمل فيما يدرك بالبصيرة كالأحكام و العدل و العدل فيما يدرك بالحاسه، كالموزونات و المعدودات و المكيلات، فإن العدل هو المساواه فى المكافاه ان خيراً فخير و ان الشراً فَشراً»^۱

عدالت لفظی است که اقتضای معنی مساوات و برابری را دارد. عدل و عدل از نظر معنا به هم نزدیکند با این تفاوت که عدل در اموری به کار می رود که با بصیرت درک می شود مانند احکام، ولی عدل و عدیل در موردی استعمال می شود که با حواس ادراک می شود مانند چیزهایی که وزن می شوند یا شمرده و پیمانه می شوند. بنابراین عدل به معنای رعایت مساوات و برابری است، خواه در مجازات باشد یا پاداش.^۲

العدل: داد؛ دادگری، عدل | دادگر، مساوی بودن، همسنگ و هم طراز بودن، کار میانه و حد وسط، مستقیم بودن؛^۳ دادگری کردن، ضد ظلم و جور از معانی عدل در لغت است.^۴

۲- عدل در آیات

به تعدادی از آیات قرآن در این زمینه اشاره می کنیم:

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۴۲۸.
۲. همان، ص ۲۹۳.
۳. معلوف، المنجد، ج ۲، ص ۱۰۸۸.
۴. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۸۵۹.

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ...»^۱ «خداوند هیچ کس را تکلیف

نکند مگر به قدر توانایی او، نیکی های هر کس به سود او و بدی های او نیز به زیان خود اوست.»
با توجه به این آیه برای عدل دو معنای عام و خاص در نظر گرفته شده است یکی رعایت حقوق دیگران و دیگری انجام کار حکیمانه است. لازمه ی عدل الهی برابر قرار دادن همه ی انسان ها یا همه ی اشیاء نیست و همچنین مقتضای آن، این نیست که همه ی مخلوقات را یکسان بیافریند بلکه اقتضا این است که جهان را به گونه ای بیافریند که بیشترین خیر و کمال بر آن مترتب گردد و موجودات مختلف را به شیوه ای بیافریند که متناسب با آن هدف نهایی باشد.^۲

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^۳ «خدا

و فرشتگان و دارندگان دانش، گواهی می دهند که معبودی جز خدای یکتا، که بپادارنده ی عدل است، نیست.»

عدل صفتی ثبوتی و کمالی نظیر علم و قدرت شمرده می شود. در این آیه به صورت مستقیم صفت عدالت برای خداوند اثبات شده است؛ از نظر اسلام شکی نیست که عدل الهی، خود حقیقتی است، و عدالت از صفاتی است که قطعاً باید خداوند را به آن ها موصوف بدانیم. در برابر این نام، ظلم قرار دارد که از خداوند دور است و نسبت ظلم دادن به ساحت مقدس خداوند ظلم به اوست،^۴ با نفی هر گونه تجاوز و و تعدی ظالمانه به غیر، عدل الهی ثابت می گردد.^۵

۱. بقره: ۲۸۶.

۲. مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۱، صص ۱۳۶-۱۳۷.

۳. آل عمران: ۱۸.

۴. مطهری، عدل الهی، ج ۱، صص ۴۸-۴۹.

۵. قمشدهای، اسماء و صفات خداوند در قرآن، ج ۱، ص ۷.

۶. موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، نشریه معرفت، ج ۱۴۹، ص ۷، ۱۳۸۹. ش.

خداوند عادل است، یعنی هم در نظام تکوین و طبیعت هر چیزی را تحت نظامی خاص آفریده و هم در عالم قانون گذاری، تمام قوانین او عادلانه و به جا و با هدف خلقت هماهنگ بوده است؛ او از ستم بر بندگان خود منزه است و درباره آفریدگان خود به عدل رفتار می کند.^۱

«فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»^۲ «خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند؛ ولی آنان بر خود ستم روا می داشتند.» در این آیه، قرآن کریم تاکید دارد که کیفر الهی به هیچ وجه ظلم خداوند بر آنان نیست؛ بلکه نتیجه ی قهری اعمال خودشان است و اگر پای ظلمی در میان باشد، در واقع خود آنان بر خویش ستم کرده اند.^۳

۳- عدل در روایات

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «الْعَدْلُ وَالْجُودُ وَ سئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهُمَا أَفْضَلُ الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا»^۴ «از امام پرسیدند: عدل یا بخشش. کدام یک برتر است؟ حضرت فرمود: عدالت، هر چیزی را در جای خود می نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف تر و برتر است.» و پیامبر اکرم نیز در مورد عدل می فرمایند:

«بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»^۵ «آسمان ها و زمین بر اساس عدالت استوار شده است.»

۱. قرائتی، عدل، ج ۱، صص ۲-۳.

۲. روم: ۹.

۳. سعیدی مهر، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۳۱۹.

۴. سید رضی، نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۳۱۸.

۵. سعیدی مهر، آموزش کلام الهی، ج ۱، ص ۳۱۹.

حضرت علی(علیه السلام) می فرمایند: «وَأَرْتَفَعَ عَنْ ظُلْمِ عِبَادِهِ وَ قَامَ بِالْقِسْطِ فِي خَلْقِهِ وَ عَدَلَ

عَلَيْهِمْ فِي حُكْمِهِ»^۱ «خداوند از ستم بر بندگان خود منزّه است و درباره ی آفریدگان خود به عدل

رفتار می کند و در مورد آنان به عدل حکم می کند.»

امام صادق(علیه السلام) توحید و عدل را اساس دین شناساندند و فرمودند: «وَأَمَّا الْعَدْلُ فَأَنْ لَا

تَنْسِبَ إِلَى خَالِقِكَ مَا لَمْ يَكَمْ عَلَيْهِ»^۲ «و اما عدل این است که نسبت ندهیم به خداوند اموری را که

آدمی با انجام آن مورد ملامت قرار می گیرد.» بنابراین عدل، نسبت ندادن فعل قبیح به خداست.

۴- مراتب عدل

۴-۱ عدل تکوینی

خداوند به هر موجودی به اندازه شایستگی او از مواهب و نعمت ها عطا می کند؛^۳ همچنین به

معنای فیض عام و بخشش گسترده حق تعالی در مورد همه موجوداتی که امکان هستی داشتند

البته اشیا در ذات خود از نظر قابلیت و امکان بهره مندی از وجود متفاوت بوده و افاضه وجود از

جانب خداوند به اندازه ی قابلیت ذاتی هر یک از آن ها می باشد؛^۴ آیه ۱۸ سوره آل عمران که در

قسمت عدل در آیات بیان شد به عدل تکوینی اشاره دارد. اگر عدل تکوینی لحظه ای گرفته شود

عالم هستی نیست و نابود می شود، عدل تکوینی در نظام موجودات است.^۵

۱. قرائتی، عدل، ج ۱، ص ۳.

۲. برنجکار، معرفت توحید و عدل، ج ۱، ص ۱۲۴.

۳. موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، نشریه معرفت، ش ۱۴۹، ص ۷، ۱۳۷۰ ه.ش.

۴. موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، فصلنامه معرفت اخلاقی، ج ۱۳، ص ۳، ۱۳۸۵ ه.ش.

۵. آودیچ، بررسی نظریه های نجات و مبانی، ج ۲، ص ۲۸۹.

۴-۲ عدل تشریحی

در نظام جعل و وضع و تشریح قوانین، همواره عدل، رعایت شده و می شود؛ خداوند از یک سو در وضع تکالیفی که سعادت انسان در گرو آن است، فرو گذار نمی کند و از سوی دیگر، هیچ انسانی را به عملی بیش از طاقت او مکلف نمی سازد.^۲ «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۳ «همانا فرستادگان خویش را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آن ها کتاب و مقیاس فرستادیم تا مردم بدین وسیله عدل را به پا دارند.»

۴-۳ عدل جزایی

عدالت در کیفر و پاداش به معنای دادگری خداوند در کیفر و پاداش بندگان در هنگام رستاخیز است، خداوند به انسان نیک و بد یکسان نمی نگرد و با آنان یکسان رفتار نمی کند هر چند ممکن است از سر رحمت از سر خطای کسی درگذرد، اما نیکی آدمی را جز با نیکی عوض نمی دهد. این آیه قرآن کریم اشاره به عدل جزایی دارد: «وَوَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا...»^۴ «ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود.»

۵- عدل الهی از دیدگاه شهید مطهری

مسأله عدالت دارای اهمیتی خاص و موقعیتی بی نظیر است و همین جهت را می توان توجیهی فرض کرد برای اینکه علمای اسلام عدل را در ردیف ریشه های دین قرار دهند و علت اصلی اینکه

۱. مطهری، عدل الهی، ج ۱، ص ۳۶.

۲. سعیدی مهر، آموزش کلام الهی، ج ۱، ص ۳۱۶.

۳. مطهری، مجموعه آثار ۱، ج ۱، ص ۶۰.

۴. جمعی از نویسندگان، فرهنگ شیعه، ج ۱، صص ۳۳۶-۳۳۷.

۵. انبیاء: ۴۷.

عدل در شیعه از اصول دین شمرده شد این امر است که: شیعه با اهل سنت در سایر صفات خداوند اختلافی نداشتند و اگر هم داشتند مطرح نبود؛ ولی در مسأله عدل، اختلاف شدید داشتند و شدیداً مطرح بود به طوری که اعتقاد به عدل و عدم اعتقاد به آن علامت مذاهب شمرده می شد.^۱

عدل مورد وفاق شیعه و معتزله است، معنی عدل این است که خداوند فیض و رحمت و همچنین بلا و نعمت خود را بر اساس استحقاق های ذاتی و قبلی می دهد و نظام خاصی بین آن ها برقرار است. اشاعره منکر عدل و چنی نظامی می باشند.^۲

قبل از اینکه عدل را از دیدگاه شهید مطهری ثابت کنیم تعریفی که ایشان در مورد عدل بیان کرده اند شرح می دهیم.

شهید مطهری ۴ معنی برای عدل ذکر می فرماید: (موزون بودن، تساوی، رعایت حقوق افراد و اعطا کردن به هر ذی حق، حق او را، رعایت استحقاق ها در افاضه ی وجود و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال را داراست)؛ ایشان عدل به معنای تساوی مطلق را قبول ندارند و معتقدند عدالت به معنای اعطا کردن حق به هر ذی حقی است و این عدالت متکی بر دو چیز است: ۱- حقوق و اولویت ها یعنی افراد بشر در مقایسه با یکدیگر اولویت پیدا می کنند. ۲- خصوصیات ذاتی بشر که طوری آفریده شده که در کارهای خود نوعی اندیشه را به کار گیرد.^۳

شهید مطهری در بیان مسأله عدل مکتب عقلی شیعه را با ذکر اختلاف ها و تفاوت هایی به معتزلیان بسیار نزدیک بیان می کند و شیعه را جزء عدلیه به حساب می آورد دامنه این مسأله خواه ناخواه گسترش پیدا می کند و به بحث حسن و قبح عقلی افعال می رسد.^۴

۱. مطهری، عدل الهی، ج ۱، ص ۶۲.

۲. مطهری، کلیات علوم اسلامی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، فصلنامه اخلاق، ش ۱۱، ص ۲، ۵۱۳۸۷.ش.

۴. طغیانی، مقاله عدالت اجتماعی از دیدگاه متفکر شهید مرتضی مطهری، ش ۶-۷، ص ۲۳. Ensaniiir.

از دیدگاه شهید مطهری عدالت یک حقیقت نفس الامری است که دارای ارزش ذاتی می باشد و اوامر و نواهی شارع و قوانین و قراردادهای اجتماعی بر آن استوار شده است. پس عدل به وسیله عقل قابل ادراک است؛^۱ اما اشاعره به حسن و قبح عقلی باور ندارند و معتقدند که صفت عدل، منتزع از فعل خداوند از آن جهت که فعل خداوند است. از نظر این گروه هر فعلی چون فعل خدا می باشد عدل است نه اینکه چون عدل است فعل خداست.^۲

اینک از طریق حسن و قبح عدل الهی اثبات می گردد:

اصل حسن و قبح اشیاء، همان طور که مقیاس کارهای بشری می باشد می تواند معیار و مقیاس افعال ربوبی نیز قرار بگیرد؛ عدل ذاتاً نیک است و ظلم ذاتاً زشت است و خداوند که فیض بخش همه ی عقل ها است هرگز کاری را که عقل، نیک می شناسد ترک نکرده و کاری را که عقل زشت می شمارد انجام نمی دهد.^۳

استاد مطهری به این نکته توجه دارند که اگر حسن و قبح را انکار کنیم پایه ی تمام ادیان و شرایع آسمانی متزلزل می گردد و هیچ دین و مذهبی قابل اثبات نمی باشد چرا که شخصی که منکر حسن و قبح می باشد باید این احتمال را بپذیرد که وعده های الهی تمام شرایع دروغ می باشد به این ترتیب نه اعتمادی بر معجزات و نه به محتوای وحی باقی نمی ماند مگر به این گونه که باور داشته باشیم حسن و قبح عقلی بوده است.^۴

۵-۱ مجازات های اخروی

در مورد تناسب عدالت ورزی خداوند با مجازات های اخروی شهید مطهری ایشان این موضوع را با تفاوت گذاشتن بین ماهیت مجازات های اخروی و دنیوی تبیین می کنند، مسئله جرم و کیفر

۱. رودگر، عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری، ش ۴۶، صص ۵۸-۵۹.

۲. مطهری، عدل الهی، ج ۱، ص ۱۸.

۳. مطهری، عدل الهی، ج ۱، ص ۵۲.

Enسانی.ir

۴. نگارش، بررسی مقاله های کلامی استاد مطهری، ش ۱۹، ص ۱۸.

مربوط به کیفرهای قراردادی است که رابطه ی آن ها با جرم، رابطه ی قراردادی است نه واقعی اما مکافات های طبیعی نتیجه و لازمه ی عمل هستند و آن چیزی که در آخرت به عنوان پاداش یا کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می شود تجسم خود عمل آن ها می باشد؛ به عبارت دیگر این شهید مقدار و کیفیت مجازات های قراردادی را تابع وضع و قرارداد و مجازات های اخروی را تکوینی و قهری اعمال بدکاران و یا ظهور چهره حقیقی گناهان می دانند.^۱

۵-۲ قضا و قدر

قضا و قدر در واقع عبارت است از سرچشمه گرفتن همه علل و اسباب از اراده و مشیت و علم حق که عله العلل می باشد؛ قضا و قدر دو گونه است: حتمی و غیر قابل تغییر،^۲ خداوند برای جهان نظام و قانونی پدید آورده است و هیچ کاری در جهان، بیرون از قانون انجام نمی گیرد. همان طور که حادثه ای بدون علت رخ نمی دهد فعل اختیاری انسان بدون اراده و اختیار او رخ نمی دهد. قانون خداوند در مورد انسان این است که کارهای نیک و بد را خودش انتخاب می کند و تصور انسان غیر مختار محال است پس افعال انسان اختیاری است و خداوند همان گونه که قضا و قدر الهی انسان را خواسته است مختار بودن او را نیز خواسته است پس قضا و قدر باعث جبر نشده است بلکه اختیار را در بر می گیرد و با عدل منافاتی پیدا نمی کند.^۳

۵-۳ جبر و اختیار

شهید مطهری به مسئله آزادی به عنوان ضرورت می نگرد و اساس آن را نهفته در نهاد و فطرت انسان می داند زیرا انسان موجودی مختار آفریده شده است یعنی به او عقل و فکر و اراده عطا

۱. همان، ص ۱۲۳.

۲. مطهری، انسان و سرنوشت، ج ۱، ص ۶۰.

۳. مطهری، عدل الهی، ج ۱، ص ۱۱۸.

شده و آزادی از دید این شهید هدف نبوده بلکه وسیله ای برای تحقق کمال انسانی و سعادت دنیوی و اخروی فرد می باشد.^۱

در اندیشه مطهری انسان مختار آفریده شده است زیرا در چنین وضعیتی می باشد که جز او پاداش الهی در جهان آخرت نیز معنا و مفهوم پیدا می کند چرا که انسان مجبور و بی اختیار را خداوند به کیفر نمی رساند و بدون حساب نیز پاداش نخواهد داد.^۲

این تحقیق در تلاش بود که بتواند عدل الهی را از دیدگاه شهید مطهری اثبات کند امید است که توانسته باشد تا حدی این موضوع را روشن کرده باشد.

۱. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پگاه حوزه، ج ۱۲۸، ص ۵.

۲. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، علوم سیاسی، ج ۱۷، ص ۱۸.

نتیجه گیری:

این مقاله درباره بررسی عدل الهی از دیدگاه شهید مطهری بود و بیان شد که برخی عدل را برای خداوند ضروری نمی‌دانستند به طبع آن در ضروری بودن صفت عدل برای خداوند بین اهل کلام اختلاف نظر وجود داشت.

در این مقاله با استفاده از حسن و قبح عقلی ثابت شد که عدل صفتی ضروری برای خداوند است و در این رابطه از دیدگاه شهید مطهری به بررسی عدل پرداخته شد. هدف از این تحقیق روشن شدن تعریف عدل در بین کلامیون و همچنین تبیین نظر صحیح در رابطه با عدل خداوند از دیدگاه شهید مطهری بود که در این زمینه از آیات و روایات نیز استفاده گشت.

فهرست منابع:

* قرآن

* نهج البلاغه

الف: کتب فارسی

۱. آودیچ، ابراهیم، *بررسی نظریه های نجات و مبانی*، جلد ۲، چاپ اول، دبیرخانه دائمی اجلاس دو سالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی (عج)، ۱۳۸۰ ه.ش.
۲. برنجکار، رضا، *معرفت توحید و عدل*، جلد ۱، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی نباء، ۱۳۹۳ ه.ش.
۳. جمعی از نویسندگان، *فرهنگ شیعه*، جلد ۱، چاپ اول، بی نا، بی تا.
۴. راغب اصفهانی، محمد، *ترجمه مصطفی رحیمی نیا، ترجمه الفاظ القرآن*، جلد ۱، چاپ اول، تهران، نشر سبحان، ۱۳۸۶ ه.ش.
۵. سعیدی نیا، محمد، *آموزش کلام اسلامی*، جلد ۱، چاپ بیست و هشتم، قم، ناشر کتاب طه، ۱۳۹۶ ه.ش.
۶. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، جلد ۱، چاپ سی و ششم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۷ ه.ش.
۷. قرائتی، محسن، *عدل*، جلد ۱، چاپ اول، قم، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۷۶ ه.ش.
۸. قمشه‌ای، علی زمانی، *اسماء و صفات خداوند در قرآن*، جلد ۱، چاپ اول، قم، انتشارات توحید، ۱۳۸۹ ه.ش.
۹. مصباح یزدی، محمد تقی، *آموزش عقاید*، جلد ۱، چاپ چهارم، تهران، نشر بین الملل، ۱۳۹۵ ه.ش.
۱۰. مطهری، مرتضی، *عدل الهی*، جلد ۱، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ ه.ش.
۱۱. _____، *کلیات علوم اسلامی*، جلد ۱، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۲. _____، *مجموعه آثار*، جلد ۱، چاپ اول، بی نا، ۱۳۹۰ ه.ش.

ب: کتب عربی

۱. راغب اصفهانی، محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، جلد ۱، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۲۰۰۹م.
۲. معلوف، لوییس، ترجمه محمد بندر ریگی، *المنجد*، جلد ۲، چاپ ۶، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۸۶.ش.

ج: نشریه و فصلنامه

۱. موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، *نشریه معرفت*، جلد ۱۴۹، چاپ اول، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۹.ش.
۲. _____، *فصلنامه معرفت اخلاقی*، جلد ۱۳، چاپ اول، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۵.ش.
۳. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، *فصلنامه اخلاق*، شماره ۱۱، اصفهان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷.ش.
۴. _____، *پگاه حوزه*، جلد ۱۷، چاپ اول، دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)، ۱۳۷۷.ش.

د: مقالات

۱. رودگر، محمد جواد، *عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری*، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۲، شماره ۴۶، ۱۳۸۸.ش.
۲. طغیانی، مهدی، *عدالت اجتماعی از دیدگاه متفکر شهید مرتضی مطهری*، پژوهش نامه حقوق اسلامی، اندیشه صادق، شماره ۶۶، ۱۳۸۱.ش.
۳. نگارش، حمید، *بررسی اندیشه‌های کلامی استاد مطهری*، مریبان، سال ششم، شماره ۱۹، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بی تا.
۴. _____، *کارکرد عدالت در اندیشه استاد مطهری*، فصلنامه پیام، شماره ۸۲، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، بی تا.

د: سایتها

۱. Ensani.ir.